



اصل تناسب؛ سنتز اصول تفکیک و ضرورت نظامی در حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی



دکتر امیر محمودی^{*} - دکتر ولی‌اله نوری^{**} - دکتر مهدی عبدالمالکی^{***}

This is an open access article under the CC BY license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

به واسطه اهمیتی که محیط زیست طی سالیان گذشته یافته و در نسل سوم حقوق بشر قرار گرفته است، می‌توان دریافت که چرا حفاظت از آن در مخاصمات مسلحانه اهمیتی مضاعف و شایان دارد. مسلم است که مخاصمات مسلحانه می‌توانند خسارات جبران‌ناشدنی را به محیط زیست وارد نمایند خواه این خسارات به صورت تخریب ارادی و با استناد به ضرورت نظامی و عدم تفکیک باشد و خواه به صورت غیر ارادی و ناشی از خسارت جنبی و تبعی حملات نظامی. بنابراین پرسش اصلی این است که جایگاه اصل تناسب در حفاظت از محیط زیست و در پیوند با اصول تفکیک و ضرورت کجا است؟ این نوشتار با رویکردی توصیفی - تحلیلی به دنبال این هدف است که رابطه اصول سه‌گانه تفکیک، ضرورت و تناسب را که از اصول اساسی حقوق بشر دوستانه بین‌المللی هستند در رابطه با تخریب محیط زیست در هنگامه مخاصمات مسلحانه بسنجد، بر این اساس نتیجه کلی و نهایی مقاله این است که به هنگام تلاقی اصول تفکیک و ضرورت، اصل ثالثی به عنوان سنتز وارد می‌شود که به دنبال کمتر کردن خسارات ناشی از اقدامات نظامی است، نقض این اصل، یکی از شروط ارتکاب جنایت جنگی تخریب محیط زیست است و آن اصل، اصل تناسب است. از آنجا که اصول تفکیک و ضرورت به هنگام حمله به محیط زیست می‌توانند در تقابل با یکدیگر قرار گیرند و این اصل ضرورت است که در نهایت بر اصل تفکیک چیره می‌شود، بنابراین حضور اصل تناسب می‌تواند این تقابل را متعادل نماید.

کلیدواژگان

مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، محیط زیست، اصل تفکیک، اصل ضرورت، اصل تناسب، جنایت جنگی.

* استادیار گروه حقوق، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران / ایمیل: Amir.Mahmoodi@kiau.ac.ir

** استادیار گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران

*** دکترای حقوق بین‌الملل و مدرس دانشگاه.

مقدمه

محیط زیست دیگر مفهومی انتزاعی نیست بلکه واقعیتی است که حمایت و حفاظت از آن در چارچوب اصول حقوقی قرار گرفته است. حمایتی که گستره ای از قواعد حقوق بشر^۱ تا حقوق بشر دوستانه^۲ و حقوق کیفری بین‌المللی^۳ متضمن آن است. بنابراین در این مقاله رابطه این اصول با حمایت از محیط زیست به عنوان یک محیط غیر نظامی مورد حمایت خاص حقوق بشر دوستانه بین‌المللی که آسیب به آن در حقوق کیفری بین‌المللی ذیل جنایات جنگی^۴ جرم انگاری شده است مورد مذاقه قرار خواهد گرفت. چنین تعهدی مبنی بر حفظ محیط زیست را نه تنها در مفاهیم حقوق بشری می‌توان یافت، بلکه می‌توان آثار پررنگ^۵ تر آن را در اسناد مربوط به حقوق بشر دوستانه بین‌المللی و به عبارت دیگر در حقوق مربوط به مخاصمات مسلحانه اعم از بین‌المللی و غیر بین‌المللی مشاهده نمود. چنین نگاهی به محیط زیست در حقوق بشر دوستانه بین‌المللی به دلیل اهمیت آن به عنوان یک محیط غیر نظامی است. البته این حمایت، مطلق و خدشه ناپذیر نیست و در صورت تحقق شرایط و اوضاع و احوال خاص می‌تواند به عنوان یک هدف نظامی تلقی شده و مورد حمله قرار گیرد، چنانکه بند ۴ ماده ۲ پروتکل سوم کنوانسیون سلاح های متعارف اشعار می‌دارد «به کار گیری سلاح های آتش زا علیه جنگل ها و یا دیگر گونه ای پوشش گیاهی ممنوع است، مگر اینکه این محیط ها توسط طرف متخاصم برای پوشش، مخفی شدن یا استتار یک هدف نظامی استفاده شده باشد یا خود آنها اهداف نظامی باشند» (Oeter, 2012: 191).

شاید بتوان گفت موضوع حمایت از محیط زیست در زمان مخاصمات، یک اصل است و تعرض به آن استثناء تلقی می‌شود، آن هم استثنایی که متضمن حصول شرایطی خاص است، هر چند مع الاسف این شرایط، شرایط سخت گیرانه ای نیست. لذا سوال اصلی این نوشتار این است که در تلاقی اصول بنیادین حقوق بشر دوستانه مرتبط با حمایت از محیط زیست، اصل تناسب^۵ به عنوان یک اصل مهم و پیچیده حقوقی از چه جایگاهی برخوردار است؟ بر این اساس فرضیه تحقیق آن است که در حفاظت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه، اصل تناسب سنتز اصول تفکیک^۶ و ضرورت نظامی^۷ است. بنابراین هدف اصلی این مقاله آن است که رابطه میان اصول سه گانه

1. Human Rights

2. International Humanitarian Law

3. International Criminal Law

4. War Crimes

5. The Principle Of Proportionality

6. The Principle of Distinction

7. The Principle of Necessity

تفکیک، ضرورت نظامی و تناسب را در بستر مخاصمات مسلحانه و به هنگام تخریب محیط زیست به عنوان یک جنایت جنگی تبیین نماید.

۱- پیشینه

نوری و دیگران، (۱۳۹۵)، در مقاله «اصل تناسب در مخاصمات مسلحانه در پرتو اسناد و رویه محاکم کیفری بین‌المللی» به صورت مفصل به موضوع امکان جرم انگاری نقض اصل تناسب در مخاصمات مسلحانه پرداخته اند. این اثر حاوی این نکته مهم است که نقض اصل تناسب در محاکم و اسناد مرتبط با حقوق کیفری بین‌المللی جرم انگاری گردیده و نقض آن ذیل جنایات جنگی قابل رسیدگی است. این مقاله صرفاً به موضوع جرم انگاری نقض این اصل پرداخته و وارد مبحث تخریب محیط زیست و ارتباط آن با اصول تفکیک و ضرورت نظامی، جز اشاراتی مختصر، نمی‌شود. بنابراین تفاوت این مقاله با تحقیق حاضر از این جهت است که در تحقیق پیش رو دو مبحث محیط زیست و ارتباط اصول سه گانه با آن در کنار هم دیده شده است (Noori and others, 2017: 91-115).

هایاشی (۲۰۱۳) در مقاله ای ذیل عنوان «مفهوم سازی ضرورت نظامی» به ابعاد مختلف ضرورت نظامی پرداخته است. در این مقاله به موضوع دکترین *Kriegsräson* اشاره می‌کند که بر اساس آن قوانین جنگ بر صورت نظامی غلبه ندارد و بلکه این ضرورت نظامی است که بر قوانین جنگ غالب است. البته این مقاله در صدد رد این نظریه است. لذا این مقاله نیز از حیث تبیین ضرورت نظامی حایز اهمیت است، اما از آن جا که حول مسئله ضرورت نظامی می‌باشد بنابراین با تحقیق حاضر متفاوت است (Hayashi, 2013: 189-283).

هایاشی (۲۰۱۰) در مقاله ای دیگر با عنوان «الزامات ضرورت نظامی در حقوق بشر دوستانه بین‌المللی و حقوق کیفری بین‌المللی» به تبیین ضرورت نظامی ذیل دو شاخه حقوق بین‌الملل یعنی حقوق بشر دوستانه بین‌المللی و حقوق کیفری بین‌المللی نموده است. در این اثر نویسنده از ابعاد قضایی به اصل ضرورت پرداخته و به آرا دیوان های کیفری بین‌المللی اشاره می‌کند و نیز حقوق بشر دوستانه را در خصوص این اصل پیش رو می‌نهد و نتیجه می‌گیرد که برای برخی از اهداف نظامی، ضرورت نظامی ضروری است (Hayashi, 2010: 39-140).

ممتاز و شایگان در کتاب «حقوق بین‌الملل بشردوستانه در برابر چالش های مخاصمات مسلحانه عصر حاضر» در فصل دوم ذیل عنوان «قواعد مربوط به حمایت از غیرنظامیان در برابر عملیات نظامی» اصول سه گانه را تبیین می‌کنند. این اثر ارزنده اما به موضوع محیط زیست به عنوان یک

مبحث اصلی اشاره ای نمی‌کند و از این جهت با مقاله پیش رو متفاوت است (Momtaz, Shaygan, 2015).

۲- مبانی نظری

محیط زیست یکی از ارکان اصلی توسعه پایدار محسوب می‌شود و از منظر حقوق بشری هم بنابر اهمیتی که از آن برخوردار است در زمره نسل سوم حقوق بشر تلقی شده است و این بدان معنا است که آسیب به محیط زیست و نابودی آن، نه به فرد یا ملتی خاص که به کل بشریت اعم از نسل حاضر و نسل‌های آتی لطمه وارد می‌کند. در نتیجه حفاظت از محیط زیست را می‌توان تعهدی مهم برای دولت‌ها دانست. برای درک مفهوم حقوقی محیط زیست، بهتر آن است که از برخی اسناد بین‌المللی کمک گرفته شود. بدین منظور، پیش‌نویس طرح میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی، در ماده ۱۴ خود، حق بر محیط زیست را چنین تبیین می‌کند:

همه انسان‌ها به طور گروهی محق هستند تا از یک محیط زیست سالم و متوازن از لحاظ زیست‌محیطی و مساعد در جهت توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی برخوردار شوند. در پرتو الزامی که برای حفاظت از محیط زیست در زمینه حقوق بشر وجود دارد و هم‌چنین نقش مهم و حیاتی محیط زیست در زندگی بشر، مسلماً می‌توان این ضرورت را به طور جدی‌تر در زمان مخاصمات مسلحانه مطرح نمود چرا که در جریان یک مخاصمه مسلحانه آسیب‌های جدی و در بسیاری موارد جبران‌ناپذیری به محیط زیست وارد می‌شود. بر همین اساس حفاظت از محیط زیست موضوع اصول و قواعد حاکم بر مخاصمات مسلحانه قرار گرفته است. همان‌گونه که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تدوین قواعد عرفی حقوق بشردوستانه بین‌المللی و در قاعده شماره ۴۳ خود به اصول عام ناظر بر محیط زیست در زمان مخاصمات مسلحانه پرداخته است (Doswald-Beck, Henckaerts, 2009: 244).

از منظر ضرورت نظامی همان‌گونه که دیوان بین‌المللی دادگستری هم در نظریه مشورتی سلاح‌های هسته‌ای بیان کرده است، احترام نسبت به محیط زیست یکی از مولفه‌ها و معیارهای ارزیابی میزان انطباق یک عمل با ضرورت نظامی تلقی می‌شود (ICJ Rep, 1996: para. 30). هم‌چنین محیط زیست در زمره اموال غیرنظامی تلقی شده و به موجب اصل تفکیک انجام حمله نسبت به آن ممنوع می‌باشد. این مساله در اسناد متعدد بین‌المللی مورد اشاره قرار گرفته است، از جمله بند ۴ ماده ۲ پروتکل سوم^۱ کنوانسیون برخی سلاح‌های متعارف^۲ چنین مقرر می‌دارد که هدف قرار دادن

^۱ Protocol on Prohibitions or Restrictions on the Use of Incendiary Weapons (Protocol III). Geneva, 10 October 1980.

^۲ The Convention on Certain Conventional Weapons

جنگل‌ها و انواع دیگر پوشش‌های گیاهی با سلاح آتش‌زا ممنوع است مگر در مواردی که از آن در راستای استتار رزمندگان یا دیگر اهداف نظامی استفاده شود. نهایتاً در راستای اصل تناسب نیز حمایت از محیط زیست در چارچوب این اصل از اسناد بین‌المللی قابل استنباط است تا جایی که دیوان کیفری بین‌المللی در ماده ۸ اساسنامه خود ایراد خسارت نسبت به محیط زیست را تحت شرایطی و در صورتی نقض اصل تناسب باشد، در زمره جنایات جنگی قلمداد نموده است.

۳- تاریخچه

در طول قرون وسطی دو قاعده مهم و بنیادین حقوق مرتبط با جنگ یعنی مصونیت غیرنظامیان و تناسب مطرح گردیده و توسعه یافت. در این دوران تلاش‌هایی نیز برای تنظیم و تدوین قواعد مربوط به جنگ‌افزارها صورت گرفت (Russell, 1975: 155-157) می‌توان نشانه‌هایی از حاکمیت تناسب در زمان جنگ را در عقاید گروسوس مشاهده کرد، چرا که وی معتقد بود که برخی آسیب‌ها و خسارات نسبت به غیرنظامیان باید به عنوان اثر و نتیجه یک حمله نظامی قابل تحمل و پذیرش باشد (Grotius; 2005: 1188).

در طول دوران شکل‌گیری حقوق مدرن مخاصمات مسلحانه و به طور خاص در قرن نوزدهم جنگ‌ها اغلب بین نیروهای مسلح اتفاق می‌افتاد و غیرنظامیان به طور گسترده‌ای درگیر جنگ و مخاصمه مسلحانه نمی‌شدند. در نتیجه مفهومی به نام تناسب بین منافع ناشی از حمله با خسارات اتفاقی ناشی از آن به طور جدی محل بحث واقع نمی‌شد.

اسناد و کنوانسیون‌های لاهه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ اشاره‌ای به مفهوم تناسب ندارند. در جریان جنگ جهانی اول نیز هرچند تلاش‌هایی برای اجتناب از حمله مستقیم علیه غیرنظامیان صورت گرفت، اما دولت‌ها در عمل در بسیاری از بمباران‌ها و حملات خود علیه اهداف نظامی خسارات اتفاقی نسبت به غیرنظامیان را مدنظر قرار نمی‌دادند (Dinstein; 2004: 119). در جریان مخاصمات مسلحانه قرن بیستم که غیرنظامیان به طور فزاینده‌ای تحت تأثیر آثار مخرب جنگ قرار گرفتند، تناسب هم‌اهمیت بیشتری پیدا کرد (Gradam; 1993: 399). می‌توان طرح پیش‌نویس کمیسیون حقوق‌دانان در سال ۱۹۲۲ در خصوص حملات و جنگ‌های هوایی را اولین مجموعه قواعدی دانست که، البته به طور ضمنی، به تناسب اشاره کرده است.

پس از پایان جنگ جهانی دوم و در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ که مبنای اصلی مقررات بشردوستانه امروزی را تشکیل می‌دهد نیز مقرره‌ای درمورد اصل تناسب در زمان مخاصمات مسلحانه وضع نگردید. نهایتاً اصل تناسب در کنفرانس ژنو ۱۹۷۷ در قالب پروتکل الحاقی اول به تصویب رسید. این پروتکل در مواد ۵۱ (قسمت ب بند ۵) و ۵۷ (جز سوم، قسمت الف بند ۲) و (قسمت ب بند ۲) خود به اصل تناسب اشاره کرده است.

ماده ۸(۲) (ب) (۴) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و مواد ۵۱ و ۵۷ پروتکل الحاقی اول. ۱۹۷۷ به اصل تناسب در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی اشاره کرده‌اند. با وجود این، این مواد در شرایط احراز با یکدیگر قدری متفاوت هستند. در ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، شرایط خسارت وسیع، دراز مدت^۱ و شدید^۲ اضافه شده، در حالی که در مواد پروتکل اول چنین شرایطی لحاظ نگردیده است.

۴- اصول تفکیک و ضرورت نظامی: دو اصل بنیادین برای حمایت از محیط زیست
با توجه به آنچه در موضوع محیط زیست در موازین و مقررات مخاصمات مسلحانه وجود دارد، اصل بر آن است که محیط زیست یک هدف غیر نظامی است و حتی الامکان نباید به آن خسارتی وارد نمود زیرا مشمول چند قاعده و اصل مهم حقوق بشردوستانه بین‌المللی همچون ممنوعیت ایراد آسیب غیر ضروری، قاعده تفکیک، ضرورت نظامی و اصل تناسب است. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در سال ۲۰۰۵ در مطالعه‌ای پیرامون حقوق بشردوستانه بین‌المللی عرفی برخی از اصول عام هدایت مخاصمات نسبت به محیط زیست را بر شمرده که بر این اساس در قاعده ۴۳ آ‌م چنین مقرر داشته است: «۱- هیچ بخشی از محیط زیست نباید مورد حمله قرار گیرد مگر آنکه هدف نظامی باشد؛ ۲- انهدام هر بخش از محیط زیست طبیعی ممنوع است مگر آنکه ضرورت نظامی ایجاب کند؛ ۳- حمله علیه یک هدف نظامی در صورت احتمال آسیب تصادفی به محیط زیست که نسبت به مزیت عینی و مستقیم نظامی پیش‌بینی شده بیشتر باشد ممنوع است. رویه دولت‌ها این قواعد را به عنوان یک قاعده عرفی بین‌المللی در ارتباط با مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی، قابل اعمال تلقی می‌کند» (Dowald-Beck, Henckaerts, 2009: 244).

۴-۱- اصل تفکیک: اصلی اولیه برای حفاظت از محیط زیست به عنوان محیط غیر نظامی
کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ نسبت به اصل تفکیک چندان واضح و شفاف عمل نکردند. اما پروتکل الحاقی اول (۱۹۷۷) در مواد ۴۸، ۵۱ و ۵۲ خود صراحتاً به اصل تفکیک پرداخته است (Swiney, 2005: 741-743). «اصل تفکیک دولت‌ها را ملزم می‌دارد که بین نظامیان و اهداف نظامی از یک سو و غیر نظامیان و اهداف غیر نظامی از سوی دیگر تمایز قایل شوند و تنها اهداف نخست را مورد حمله قرار دهند. ... بر اساس آنچه در ماده ۴۸ پروتکل الحاقی اول مقرر است، افراد و اهداف غیر نظامی نه تنها نباید مستقیماً مورد حمله نظامی واقع شوند، بلکه در حمله به اهداف نظامی نیز باید آن‌چنان دقتی به عمل آید که آن اهداف مورد صدمه و آسیب واقع نشوند» (Saed, 2008:)

¹. Widespread

². Long-Term

³. Severe

201). بر اساس بند ۱ ماده ۵۲ پروتکل الحاقی اول، اموال غیر نظامی اموالی هستند که هدف نظامی محسوب نمی‌شوند و بر اساس ماده ۵۰ این پروتکل، افراد غیر نظامی افرادی هستند که در هیچ یک از طبقات نیروهای مسلح مقرر در ماده ۴ عهدنامه سوم و ماده ۴۳ پروتکل اول قرار نگیرند. چنین تأکیدی نشان از جایگاه برجسته اصل تفکیک در مخاصمات است تا جایی که می‌توان گفت اهمیت رعایت اصل تفکیک به حدی است که به عقیده برخی، اصل تفکیک، اساس حقوق جنگ را تشکیل می‌دهد (Saed, 2008: 120). از همین روست که دیوان بین‌المللی دادگستری نیز ضمن اذعان به اینکه اصل تفکیک یک اصل مهم و بنیادین حقوق بشر دوستانه است، خاطر نشان می‌کند اصول و قواعد اساسی حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، از جمله اصل تفکیک، از اصول تخلف ناپذیر حقوق بین‌الملل عرفی محسوب می‌شوند. شاید چنین تلقی از اصل تفکیک، آن را واجد ارزش قاعده‌ی آمره نماید (Swiney, 2005: 78-79).

در ارتباط با تمایز میان اموال نظامی و غیر نظامی، تعریف بند اول ماده ۵۲ پروتکل الحاقی اول از اموال غیر نظامی یک تعریف منفی و سلبی است، این ماده اموال و اهدافی را که نظامی نباشند، غیر نظامی تلقی می‌کند (Ziaee Bigdeli, 1995: 130). بر اساس بند دوم ماده ۵۲ پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷، اهداف نظامی اهدافی هستند که به دلیل ماهیت، محل استقرار، هدف یا نحوه استفاده، تأثیر مهمی در عملیات نظامی داشته و نابود کردن کلی یا جزئی، تصرف یا از کار انداختن آن در شرایط حاکم بر زمان حمله یک مزیت نظامی قطعی در برداشته باشد. اما همیشه نیز به این سادگی نیست زیرا، برخی از اموال غیر نظامی می‌توانند در مواردی جزو اهداف نظامی تلقی شوند. به همین دلیل است که بند ۳ ماده ۵۲ تکلیف اینگونه اموال را با شرایطی مشخص می‌کند. بر این اساس اگر اموال غیر نظامی مانند مدارس و یا اماکن مذهبی در عملیات نظامی نقش موثری داشته باشند و در عملیات مورد استفاده قرار گیرند مانند آنکه مدارس تبدیل به پایگاه نظامی شوند، آنگاه این اموال از شقوق اموال غیر نظامی خارج خواهند شد (Dinstein, 2004: 84-90).

همانگونه که گفته شد محیط زیست ذاتاً یک هدف غیر نظامی است. هدف غیر نظامی که می‌تواند برای پوشش اهداف نظامی مورد استفاده قرار گیرد که البته این امر آن را از مصادیق اهداف غیر نظامی ذاتی خارج نمی‌کند، بلکه آن را به یک هدف نظامی تبعی تبدیل می‌نماید. بنابراین باید با در نظر داشتن این نکته که می‌بایست بین اهداف نظامی و اموال غیر نظامی تفکیک قایل شد به مسئله محیط زیست نگریت و با آن برخورد نمود. اولین نتیجه منطقی این گزاره آن است که هر گونه حمله عمدی به محیط زیست ممنوع می‌باشد. در تعریف حمله عمدی، دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در پرونده زوران کوپرسکیچ، ضمن آنکه معتقد است اکثر قواعد حقوق بین‌الملل بشر دوستانه که قواعد آمره حقوق بین‌الملل هستند - یعنی خصیصه «تخلف ناپذیر

¹. Jus Cogens

و قاطع» دارند- حمله عمدی را چنین تعریف می‌کند: «هر حمله به جمعیت غیرنظامی یا اموال غیرنظامی با علم به اینکه سبب تلف جان انسان‌ها، مجروح شدن افراد غیرنظامی یا ورود خسارت به اموال غیرنظامی خواهد شد که در مقایسه با امتیاز نظامی مورد نظر زیاده از حد خواهد بود» (ICTY, 50 Para: 2000). لازم به یادآوری است که گاهی اوقات حملات مستقیماً معطوف به محیط زیست نیست، اما آثار آن، چنان وسیع است که می‌تواند خسارات جانبی را به آن وارد نماید. نتیجه دومی که از مقدمه فوق حاصل می‌شود آن است که با توجه به اهمیت رعایت اصل تفکیک، به کارگیری تسلیحات و ابزارهایی که کاربرد آنها نقض این اصل در جریان حمله را در پی داشته باشد نیز ممنوع است و بر همین اساس است که اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، استفاده از سلاح‌هایی که به دلیل ماهیت خود، بدون تفکیک عمل می‌کنند را از مصادیق جنایات جنگی می‌داند. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در رای مشورتی مشروعیت استفاده از سلاح‌های هسته ای معتقد بود که دولت‌ها هرگز نباید سلاح‌هایی را به کار ببرند که نمی‌توانند اهداف نظامی را از غیر نظامی تمیز دهند (ICJ Rep, 1996: para. 78). و می‌توان گفت دیوان استفاده از سلاح‌های کور و یا غیر دقیق را با حمله عمدی یکسان می‌داند (Deihim, 2005: 442-3). بر این اساس آغاز حمله مستقیم و تعمدی علیه اهداف یا جمعیت غیر نظامی یا کسانی که نقش مستقیمی در مخاصمه ندارند، جنایات جنگی تلقی می‌گردد.

۴-۲- اصل ضرورت نظامی

یکی از مهم‌ترین قواعد بشردوستانه، اصل ضرورت نظامی است. ضرورت نظامی به متخاصمین اجازه می‌دهد که در حیطه و حدود حقوق جنگ، با صرف کمترین هزینه مالی، جانی و زمانی، برای شکست دادن و تسلط کامل بر دشمن، هر نوع و میزان زور لازم را به کار ببرند.^۱ ضرورت نظامی در حقوق بشردوستانه بین‌المللی به محدودیت‌های مربوط به روش‌ها و ابزارهای مورد استفاده طرفین در جریان یک مخاصمه می‌پردازد (Craig, 2007: 179). برای ضرورت نظامی ابعاد ذیل را می‌توان بر شمرد: الف) واقعیات، یعنی مفهوم ضرورت نظامی در عمل؛ ب) ضرورت نظامی آن گونه که باید باشد. ضرورت نظامی را از جهات مختلف می‌توان مورد بررسی قرار داد. یکی از این جهات، ضرورت نظامی از حیث اقتضانات مادی می‌باشد. ضرورت نظامی اعمال و اقداماتی مشخص است که برای حصول به یک هدف نظامی خاص ضرورت دارد (Verri, 1992: 75). بنابراین باید گفت که واژه ضرورت هم دارای بعد ایجابی است و هم سلبی، به

^۱. Hostage Case (United States v. List), US Military Tribunal, Nuremberg, Judgement of 19 February 1948, at: 1253. Reprinted in: Trials of war criminals before the Nuremberg Military Tribunals under Control Council law no. 10.: Nuremberg, October 1946- April, 1949, vol. XI, United States Government Printing Office, Washington, 1950

این معنا که از بعد ایجابی، طرفین تخاصم در عمل می‌توانند برای دستیابی به یک هدف نظامی خاص، آنچه ضروری می‌نماید انجام دهند و از جنبه سلبی حاوی این معناست که طرفین نمی‌توانند برای حصول نتیجه خاص نظامی به هر اقدامی که غیر ضروری است دست یازند. فلذا می‌توان گفت برای اینکه حصول نتیجه از لحاظ نظامی ضروری باشد باید اثبات شود که آن عمل، دست کم تا حدی منجر به تحقق یک هدف نظامی از پیش تعیین شده می‌گردد (Hayashi, 2016: 89).

در این فرض، حداقل دو شاخص ضروری است، نخست ضرورت عمل و دوم وجود یک هدف نظامی از پیش تعیین شده. بنابراین حتی در عمل که اقتضای آن پیروزی بر طرف مخاصمه است ضرورت نظامی معنا پیدا نماید باید گفت دنبال کردن اقدامات ضروری از لحاظ نظامی و اجتناب از اقدامات غیر ضروری، یک وظیفه و صلاحیت حرفه‌ای نظامیان تلقی می‌گردد (Hayashi, 2013: 283). در بعد ایجاد و تدوین هنجارها و قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی اغلب بیان می‌شود که ضرورت نظامی و ملاحظات انسانی و بشردوستانه دو مبنای اصلی هنجاری را تشکیل می‌دهند که حقوق بشردوستانه بر مبنای آنها تکامل یافته است که البته محتوای هر دو مفهوم در طول زمان، دستخوش تحول و تغییر و یا تکامل گردیده است. در تدوین و توسعه حقوق بشردوستانه مدرن نیز همچنان از همین تمایل برای تفکیک و تعیین مرزهای هنجاری میان ضرورت‌های نظامی و ملاحظات بشردوستانه در زمان جنگ استفاده می‌گردد، اگرچه این دو مجموعه منافع با هم تعارض و تداخل هم دارند (Noori and others, 2019: 718-719).

طبق رویه کشورها انهدام یا ضبط اموال دشمن بدون آنکه ضرورت حتمی نظامی چنین عملی را ایجاب کند شامل محیط زیست طبیعی هم می‌شود. دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی خود در قضیه سلاح‌های هسته‌ای معتقد بود احترام به محیط زیست یکی از شاخص‌های ارزیابی تطبیق یک رفتار با اصل ضرورت است. مضاف بر اینکه از نظر کنوانسیون چهارم ژنو، انهدام وسیع اموال که از نظر ضرورت نظامی بلاوجه بوده و به طور غیر قانونی و با سهل‌انگاری انجام شود به منزله نقض فاحش است. همچنین ممنوعیت حمله علیه اموال غیرنظامی در پروتکل اصلاحی دوم^۱ و پروتکل سوم الحاقی^۲ به کنوانسیون برخی سلاح‌های متعارف نیز گنجانده شده است. به علاوه مطابق اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز هدایت عمدی و مستقیم حمله نسبت به اهداف غیرنظامی در زمره جنایات جنگی محسوب می‌گردد.^۳

^۱. Protocol on Prohibitions or Restrictions on the Use of Mines, Booby-Traps and Other Devices as amended on 3 May 1996 (Protocol II to the 1980 Convention on Certain Conventional Weapons as amended on 3 May 1996), art. 3(7).

^۲. Protocol on Prohibitions or Restrictions on the Use of Incendiary Weapons (Protocol III to the Convention on Certain Conventional Weapons). Geneva, 10 October 1980, Art.2 (1).

^۳. Rome Statute of the International Criminal Court (ICC), 17 July 1998, Article 8(2) (b) (ii).

۳-۴- جایگاه اصل تناسب در حمایت از محیط زیست

در راستای انسانی‌سازی مداخلات مسلحانه اصول تفکیک و ضرورت نظامی هر چند لازم و ضروری هستند اما کافی نبوده و هم‌چنان خلأهایی در حمایت از اهداف غیرنظامی و از جمله محیط زیست در زمان مداخلات مسلحانه وجود خواهد داشت. همچنین در هنگام اجرای این دو اصل گاهی ممکن است که امکان اجرای هر دو به صورت همزمان میسر نگردد (Noori, Zamani, 2018: 14-15) بنابراین سوال این است که کدام یک اولویت خواهد داشت؟ این جاست که اصل دیگری تحت عنوان اصل تناسب در ارتباط با مداخلات مسلحانه مطرح گردیده است تا بتواند این خلأها را پوشش دهد. اصل تناسب در این نقطه و در تقابل میان این اصول مطرح می‌گردد.

بر اساس ماده ۵۷ (قسمت ج بند ۲) پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ فرماندهان نظامی باید «از حمله‌ای که امکان دارد تلفات، آسیب یا خسارت اتفاقی به جمعیت یا اهداف غیرنظامی یا مجموعه‌ای از این دست وارد نماید و این خسارات بیشتر از مزیت نظامی مستقیم و عینی مورد انتظار باشد، اجتناب نمایند.»^۱ برای احراز اصل تناسب باید خسارات جنبی و اتفاقی ناشی از حمله را نیز مدنظر قرار داد، یعنی مواردی که افراد و اموال غیرنظامی مستقیماً هدف حمله قرار نگرفته‌اند و به عبارت دیگر اصل تفکیک رعایت شده است، اما با وجود این بازهم در اثر حمله به یک هدف نظامی مشروع به طور اتفاقی و جنبی خساراتی به اهداف و افراد غیرنظامی وارد می‌گردد. در مجموع اصل تناسب بدین معنا است که خسارات غیرنظامی اتفاقی و جنبی ناشی از حمله نباید در قیاس با مزیت نظامی حاصل از آن نامتناسب و بیش از حد باشد» (Noori and others, 2017: 94-95).

۴-۴- اصل تناسب: اصلی حداکثری برای حمایت از محیط زیست در مداخلات مسلحانه

ماده ۲۴ اعلامیه ریو مقرر می‌دارد: جنگ ذاتاً مخرب توسعه پایدار است. بنابراین دولت‌ها باید حقوق بین‌الملل حاوی حمایت از محیط زیست در زمان مداخلات مسلحانه را رعایت و برای توسعه بیشتر آن به عنوان ضرورت همکاری نمایند. این گزاره اصل ۲۴ اعلامیه ریو جان مایه استدلال دیوان بین‌المللی دادگستری برای اعلام احترام به محیط زیست و بیان اصل ضرورت و تناسب است. دیوان معتقد است: «... مسئله این نیست که آیا معاهدات مرتبط با حمایت از محیط زیست در جریان یک مداخله مسلحانه قابل اعمال هستند یا خیر، بلکه مسئله این است که آیا تعهدات منبث از این معاهدات به معنای تعهدات محدودیت کامل در خلال درگیری نظامی هستند؟ دیوان بررسی نمی‌کند که معاهدات مورد بحث می‌توانند دولتی را از اعمال حق خویش برای دفاع مشروع به موجب حقوق بین‌الملل به خاطر تعهدات آن دولت برای حفظ محیط زیست محروم کنند. با وجود این، دولت‌ها باید ملاحظات محیط زیستی را به هنگام ارزیابی آنچه برای دستیابی به اهداف نظامی

¹. Humanization

². Art.57 (2)(a)(iii), 1977 Additional Protocol I

³. Rio Declaration on Environment and Development. 1992

مشروع، ضروری و متناسب است مدنظر قرار دهند. احترام به محیط زیست یکی از عناصری است که برای ارزیابی اینکه آیا یک حمله با اصول ضرورت و تناسب انطباق دارد یا خیر مورد استفاده قرار می‌گیرد» (ICJ Rep, 1996: para. 30).

این تحلیل و استدلال دیوان با این دو اصل اساسی گره خورده است که محیط زیست نه تنها نباید مورد حمله مستقیم قرار گیرد بلکه حمله جانبی به آن نیز موجه نیست مگر آنکه ضرورت ایجاب نماید. دیگر آنکه محیط زیست حتی با فرض آنکه یک هدف نظامی تلقی شود اما رعایت اصل تناسب در آن بسیار مهم است زیرا همان گونه که دیوان اذعان می‌کند یکی از مولفه‌های بررسی اینکه آیا یک حمله ضرورت داشته و یا آنکه متناسب بوده، موضوع محیط زیست است. از این رو است که برخی معتقدند «رویه موجود حاکی از پذیرش عام این اصل است که خسارت تصادفی وارده به محیط زیست نسبت به مزیت نظامی مورد انتظار از حمله به یک هدف نظامی نباید بیش از اندازه باشد. کمیته بازنگری بمباران ناتو علیه یوگسلاوی اظهار داشت حملاتی که علیه اهداف نظامی انجام می‌شوند و معلوم است یا با دلایل موجه می‌توان فرض کرد که صدمات زیست محیطی فاحشی به بار می‌آورند برای آنکه شرط تناسب در آنها رعایت شود و مشروع تلقی گردند لازم است که در بردارنده مزیت نظامی بسیار قابل ملاحظه‌ای باشند» (Doswald-Beck, Henckaerts, 2009: 248).

واقعیت آن است که حقوق بین‌الملل موجود، محیط زیست را در جایگاهی قرار می‌دهد که حتی ضرورت نظامی نیز نتواند بر احترام به آن خدشه‌ای وارد نماید. چنانکه این امر، مجمع عمومی ملل متحد را بر آن داشت تا طی قطعنامه‌ای تاکید نماید که تخریب محیط زیست آشکارا بر خلاف حقوق بین‌الملل موجود است و ضرورت نظامی نیز نمی‌تواند آن را توجیه نماید زیرا، کاربرد سلاح‌ها و روش‌های جنگی خاص می‌تواند آثار دهشتناکی را بر محیط زیست داشته باشد.^۱

۴-۵- حقوق کیفری بین‌المللی: اصل تناسب و جرم انگاری تخریب محیط زیست

قسمت چهارم جزء ب بند ۲ ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ذیل جنایات جنگی اشعار می‌دارد: «شروع عمدی یک حمله با آگاهی از اینکه چنین حمله‌ای تلفات جانی یا آسیب به غیر نظامیان یا خساراتی به اهداف غیر نظامی یا صدمه گسترده، بلند مدت و شدید به محیط زیست به همراه خواهد داشت به گونه‌ای که این خسارات در قیاس با مجموع مزیت نظامی مستقیم و قابل لمس، آشکارا بیش از حد مورد انتظار باشد.»^۲ بر مبنای این تعریف، می‌توان گفت که مفاد مقرر در

^۱ A/RES/47/37, 73rd plenary meeting, 25 November 1992, Protection of the environment in times of armed conflict.

^۲ البته این بدان معنی نیست که تنها این بند برای موضوع حمایت از محیط زیست در اساسنامه و جنایت جنگی بودن حمله به محیط زیست می‌تواند مورد استناد قرار گیرد بلکه این موضوع را می‌توان در بندهای دیگری از ماده ۸ اساسنامه نیز ملاحظه نمود.

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در خصوص این جنایت جنگی فراتر و وسیع‌تر از مواد پروتکل الحاقی اول است (Bothe, 2002: 398).

این بند حاصل جمع همه مواد و مقرراتی محسوب می‌شود که در خصوص حمایت از محیط زیست در پروتکل الحاقی اول بیان شده است. یکی از مهمترین اصول حقوق بشر دوستانه که در این بند آمده است اصل تناسب است. همانگونه که پیشتر گفته شد اصل تناسب ناظر به اصل ضرورت و مزیت نظامی و میزان خسارات ناشی از آن است که در پرتو آن اصل تفکیک نیز تبلور یافته و خسارات وارده را در سایه مزیت نظامی به حد معینی که بیش از حد انتظار نباشد قابل پذیرش می‌داند. بنابراین مقصود از تناسب، سازش دادن امتیازات عملی ناشی از یک حمله با ضرورت‌های نظامی است.

اصل تناسب نهفته در این بند چندان هم بدون انتقاد باقی نمانده است زیرا عبارت‌پردازی اساسنامه رم حاوی این نکته است که برای بررسی این اصل باید مقدماتاً به خسارات وارده بیش از حد انتظار رجوع نمود. «اولین اختلاف نظر جدی که دولت‌ها را همچنان رو در روی هم قرار می‌دهد معنایی است که می‌باید به امتیاز نظامی داده شود. در واقع چندین دولت همچنان برآنند که این واژه‌ها به امتیاز مورد انتظار از حمله نظامی در مجموع خود اشاره دارند و نه به اجزای جداگانه یا خاص آن. به این ترتیب هرگاه یک عملیات نظامی شامل حمله به چندین هدف باشد، رعایت و احترام به اصل تناسب باید با لحاظ کردن کل این عملیات مورد ارزیابی قرار گیرد. به نظر می‌رسد این رویکردی است که نگارندگان اساسنامه رم اتخاذ کرده‌اند زیرا در آن به خسارات بیش از اندازه نسبت به مجموع امتیاز نظامی ملموس و مستقیم مورد انتظار اشاره شده است» (Montaz, 92: 2015). با وجود این، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در رهیافتی دیگر گونه «کلمه «مجموع» را زاید می‌داند. به عقیده این کمیته، کلمه اخیر ظاهراً در صدد القا این معنی است که یک هدف خاص می‌تواند مزیت و برتری نظامی چشمگیری به همراه داشته باشد که پس از مدت زمانی طولانی احساس می‌گردد. علاوه بر این، حمله به این هدف ممکن است عملیات نظامی در نقاط دورتر از خود این هدف را نیز تحت تاثیر قرار دهد حال آنکه این موضوع قبلاً در مقررات مربوطه پروتکل الحاقی اول گنجانده شده است. به عقیده ما درج این کلمه در اساسنامه با وجود آنچه گفته شد مفید است زیرا تمامی کشورهای عضو اساسنامه دیوان الزاماً به پروتکل الحاقی اول پیوسته‌اند» (Kittichaisaree, 2012: 302).

برای دریافت دقیق‌تر رابطه «آغاز حمله‌ای توأم با تلفات جانی یا صدمه به افراد غیر نظامی و یا خسارات وارد کردن به اهداف غیرنظامی و یا آسیب و خسارت گسترده، طولانی‌مدت و شدید نسبت به محیط زیست» با اصل تناسب باید وارد عناصر جز چهار قسمت ب بند ۲ ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی گردید. خسارات ناشی از یک حمله علیه یک هدف قانونی، در صورتی

غیر قانونی است که خسارت نسبت به مجموع فایده و مزیت نظامی مورد انتظار بیشتر باشد (Bothe, 2002: 398). این دو عنصر خسارات و مزیت نظامی است که جزئیات اصل تناسب را مشخص می‌کند. به دیگر سخن، آنچه ما را در بررسی اصل تناسب و نقض اصل تناسب یاری می‌کند بررسی خسارات وارده و تعیین ارزش مزیت نظامی حاصله از آن است (Dorwald-Beck, 2009: 121). بنابراین محیط زیست یکی از شاخص‌های بررسی رعایت اصل تناسب است. همانگونه که دیوان بین‌المللی دادگستری در رای مشورتی سلاح‌های هسته‌ای اگرچه به صورت مستقیم به موضوع تداوم اعمال حقوق محیط زیست در خلال درگیری‌های مسلحانه پرداخته اما بیان کرده که حقوق محیط زیست دربردارنده عوامل و مولفه‌های حیاتی و مهمی است که باید هم‌زمان با اجرا و اعمال اصول و مقررات مخصصات مسلحانه مورد توجه قرار گیرد.^۱

«یکی از تفاوت‌های اصلی ماده ۸ اساسنامه با مواد پروتکل الحاقی در این است که در اساسنامه آمده است مزیت نظامی باید آشکار باشد. به موجب پروتکل اول، فایده‌ای که می‌تواند مورد محاسبه قرار گیرد فایده نظامی واقعی و مستقیم مورد پیش‌بینی است. بر این اساس، اساسنامه دیوان کلمه «مجموع» را اضافه می‌کند. به موجب هر دو ماده یک فایده نظامی غیر مستقیم نمی‌تواند خسارت جانبی را توجیه نماید. این به معنای آن است که فایده باید به عنوان یک نتیجه فوری حمله پیش‌بینی شود نه به عنوان یک ظهور و ایجاد بعدی. کلمه کلی یا مجموع، تا حدی گستره فایده نظامی را که می‌تواند به حساب آید نسبت به تاثیر طیف وسیعی از فواید مورد بررسی در خصوص مبنای موقعیت نظامی اتخاذی در کل، نه تنها برای نقطه خاص بلکه برای جایی که حمله آغاز می‌شود گسترش می‌دهد» (Bothe, 2002: 399).

نکته دیگر آن است که حمله زمانی می‌تواند جنایت جنگی تلقی شود که خسارت گسترده، درازمدت و شدید باشد. همانگونه که در سند عناصر جرم اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی آمده است این جنایت زمانی محقق می‌شود که: «۱- مرتکب، حمله را هدایت کرده است؛ ۲- حمله به گونه‌ای بوده است که موجب مرگ تصادفی یا آسیب به غیر نظامیان یا خسارت به اشیاء غیر نظامی یا ایراد خسارت گسترده، طولانی‌مدت و شدید به محیط زیست طبیعی شده و چنین مرگ یا آسیب یا خسارتی به اندازه‌ای بوده است که آشکارا نسبت به مجموع برتری نظامی محسوس و مستقیم پیش‌بینی شده، زیاده از حد بوده است؛ ۳- مرتکب می‌دانسته که حمله موجب مرگ تصادفی یا آسیب به غیر نظامیان یا خسارت به اشیاء غیر نظامی یا ایراد خسارت گسترده، درازمدت و شدید به محیط زیست می‌شود و مرگ یا آسیب یا خسارت مزبور به میزانی است که آشکارا نسبت به مجموع

¹. International Court of Justice, Reports of Judgements, Advisory Opinions and Orders Legality of The Threat Or Use Of Nuclear Weapons, 8 July 1996, Para 72.

². Overall

برتری نظامی محسوس و مستقیم پیش بینی شده زیاده از حد می‌باشد؛ ۴- رفتار مرتکب در سیاق یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی صورت پذیرفته و با آن همراه بوده است؛ ۵- مرتکب از اوضاع و احوال واقعی که وجود مخاصمه مسلحانه را موجب شده آگاهی داشته است^۱

بنابراین حتی اگر یک فایده نظامی مهم و مرتبط نیز وجود داشته باشد «باز هم حمله غیر قانونی است. آستانه غیر قانونی بودن آن نیز بسیار بالاست زیرا سه شرط گستره سرزمینی، مدت و شدت خسارات باید در کنار هم جمع شوند. اما تعریف فعل مجرمانه صرفاً این کار را انجام می‌دهد: ترکیب ممنوعیت ایراد خسارت زیست محیطی فاحش با اصل تناسب. تا جایی عناصر محیط زیست، اهداف غیر نظامی هستند و خسارت وارده به آنها غیر قانونی است که آشکارا بیش از مزیت نظامی باشد. هیچ الزامی وجود ندارد که خسارت گسترده، طولانی مدت و شدید باشد. بنابراین ترکیب دو موضوع تنها در دو فرض احساس می‌شود: نخست اگر عنصر محیط زیست فی نفسه دارای ارزش نظامی است دوم برای نشان دادن سطحی از خسارت زیست محیطی که در همه موارد بیشتر و زیاده از حد باشد. اما این فروض کاملاً با عبارات جزء چهار قسمت ب بند ۲ ماده ۸ پوشش داده نمی‌شوند. وضعیت تا حدودی گیج کننده است» (Bothe, 2002: 401).

از آنجایی که ماده مذکور جنبه خسارت‌های جانبی و آسیب به محیط زیست را با هم تلفیق نموده معیار تناسب نسبت به هر دو جنبه ارتباط پیدا می‌کند. این در واقع انحراف از پروتکل الحاقی می‌باشد جایی که تنها معیار مرتبط این است که آیا آسیب به محیط زیست متضمن ماهیت گسترده، دراز مدت و شدید می‌باشد یا خیر؟ از نظر جزء ۴ قسمت ب بند ۲ ماده ۸ آسیب به محیط زیست تنها هنگامی جنایت تلقی می‌شود که دارای ماهیت گسترده، دراز مدت و شدید بوده و با اصل تناسب مغایرت داشته باشد. شروط مذکور موجب شد که گنجاندن شق فوق در اساسنامه که برخی دولت‌ها نسبت به آن مردد بودند قابل پذیرش شود (Deihim, 2005: 411).

نتیجه گیری

محیط زیست یک فضای به شدت مورد حمایت است. حمایتی که حقوق بشر دوستانه پایه‌های اصلی آن را تشکیل می‌دهد و همین حمایت، اسباب جرم‌انگاری تخریب محیط زیست در حوزه حقوق کیفری بین‌المللی را فراهم نمود. هم در حقوق بشر دوستانه که در پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو منعکس است و هم در حقوق کیفری بین‌المللی که تجلی آن در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی است جنایت تخریب محیط زیست با یک اصل مهم حقوق بشر دوستانه پیوند خورده است و آن اصل، اصل تناسب است. اصلی که خود از تزامن اصول تفکیک

^۱. Finalized Draft Text of the Elements of Crimes, U.N. Preparatory Commission for the International Criminal Court, U.N. Doc. PCNICC/2000/1/Add.2 (2000), Article 8 (2) (b) (IV).

و ضرورت پدید می‌آید. فی الواقع آنچه تخریب محیط زیست را در زمره جنایات جنگی قرار می‌دهد عدم تناسب حمله ارتكابی است.

چنانچه در حمله به محیط زیست طبیعی اصل تفکیک و اصل ضرورت با یکدیگر اصطکاک یابند آنگاه اصل تناسب به عنوان اصل سوم ظهور خواهد کرد. شاید به همین دلیل است که در جزء ۴ قسمت ب بند ۲ ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی فقط به اصل تناسب اشاره شده است و عدم تفکیک محیط زیست به عنوان یک محیط غیر نظامی، خود به تنهایی نمی‌تواند در زمره جنایات جنگی تخریب محیط زیست قرار گیرد. همچنین اگر ضرورت نظامی اقتضاء نماید که به محیط زیست حمله و آن محیط، تخریب شود این حمله نیز در صورتی جرم خواهد بود که در حمله ارتكابی، اصل تناسب رعایت نشده باشد و خسارات نیز همانگونه که گفته شد گسترده، شدید و دراز مدت باشد. بنابراین رابطه اصل تناسب و جنایت جنگی تخریب محیط زیست چنان است که می‌توان گفت رابطه آنها یک رابطه عدمی است. عدم تناسب حمله، آن را به یک جنایت جنگی، با لحاظ سایر شرایط، تبدیل خواهد کرد.

References

1. Birnie, P., Boyle. A. (2002). *International law and the environment*. Oxford university press .
2. Bothe, M. (2002). *War Crimes. In: The Rome Statute of the International Criminal Court*. Edited by: Antonio Cassese, Paola Gaeta & John R.W.D. Jones. Oxford university press .
3. Brandt, R. (1972). Utilitarianism and the Rules of War. *Philosophy and Public Affairs*, 1(2).
4. Craig, F. (2007). The Doctrine of Military Necessity and the Protection of Cultural Property during Armed Conflicts. *California Western International Law Journal*, 37(2).
5. Deihim, A. (2005). *Introduction to International Criminal Law: in Light of International Criminal Court Statute*. Tehran. Institute for Political and International Studies. **(In Persian)**
6. Dinstein, Y. (2004). *The Conduct of Hostilities under the Law of International Armed Conflict*. Cambridge university press.
7. Doswald-Beck, L., Henckaerts, J.M. (2009). *Customary International Humanitarian Law*. Translation (ed.) by: Katayoon Hossennejad and Pourya Askari. Tehran. Shahre Danesh Institute of Law Research and Study. vol.1: Rules. **(In Persian)**

8. Finalized Draft Text of the Elements of Crimes. U.N. Preparatory Commission for The International Criminal Court. U.N. Doc. PCNICC/2000/1/Add.2 (2000).
9. Gardam, G.J. (1993). Proportionality and Force in International Law. *The American Journal of International Law*. 87(3).
10. Greenwood, C. (2008). Historical Development and Legal Basis. In; Fleck Dieter (Ed.). *The Handbook of International Humanitarian Law*. Oxford University Press.
11. Grotius, H. (2005). *The Rights of War and Peace*. Liberty Fund Inc. Indiana.
12. Hague Convention respecting the Laws and Customs of War on Land. of 18 October 1907.
13. Hayashi, N. (2010). Requirements of Military Necessity in International Humanitarian Law and International Criminal Law. *Boston University International Law Journal*. 28(1).
14. Hayashi, N. (2013). Contextualizing Military Necessity. *Emory International Law Review*. 27.
15. Hayashi, N. (2016). *Basic Principles*. In: *Routledge Handbook of the Law of Armed Conflict*. Rain Liivoja and Tim McCormack (Eds). New York. Routledge.
16. Henckaerts, J.M. (2005). Study on Customary International Humanitarian Law: A Contribution to the Understanding and Respect for the Rule of Law in Armed Conflict. *International Review of the Red Cross*. 87(857).
17. Hiskes, P. R. (2009). *The Human Right to a Green Future Environmental Rights and Intergenerational Justice*. Cambridge university press.
18. Hostage Case (United States V. List). US Military Tribunal. Nuremberg. Judgement of 19 February 1948. At: 1253. Reprinted in: Trials of war criminals before the Nuremberg Military Tribunals under Control Council law no. 10: Nuremberg. October 1946- April. 1949. vol. XI. United States Government Printing Office. Washington. 1950.
19. International Court of Justice. Reports of Judgements. Advisory Opinions and Orders Legality of the Threat Or Use Of Nuclear Weapons. 8 July 1996.
20. International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia (ICTY). Prosecutor v. Zoran Kupreskic and et.al. Case No.: IT-95-16-T. Trial Chamber Judgment. 14 January 2000.
21. Kasher, A. (2007). The Principle of Distinction. *Journal of Military Ethics*. 6(2).
22. Kittichaisaree, K. (2012). *International criminal law*. Translated by: Behnam Yousefian and Mohammad Esmaily. Tehran. SSMT Pub. **(In Persian)**

23. MacLeod, I.J., Rogers, A.P.V. (2007). The Use of White Phosphorus and the Law of War. *Yearbook of International Humanitarian Law*. vol.10.
24. Momtaz, J., Shaygan, F. (2014). *International Humanitarian Law Facing Challenges of Contemporart Armed Conflicts*. Tehran. Shahre Danesh Institute of Law Research and Study. **(In Persian)**
25. Noori, V., Zamani, S.G., Raei, M., Abdolalhi, M. (2017). Principle of Proportionality in Armed Conflicts: in the Light of Documents and Procedure of International Criminal Courts. *Criminal Law Doctrines Journal*. 6(12). **(In Persian)**
26. Noori, V., Zamani, S.G. (2018). Principle of proportionality and non-international armed conflicts. *Public Law Research*. 19(58). **(In Persian)**
27. Noori, V., Zamani, S.G., Raei, M. (2019). Military Necessity as an Exception in Law of Armed Conflicts. *Public Law Studies Quarterly*. 49(3). **(In Persian)**
28. Oeter, S. (2012). Methods and Means of Combat. Translated by Nader Saed. In: Dieter Fleck (Ed). *Handbook of Humanitarian Law in Armed Conflicts*. Tehran. Shahre Danesh Institute of Law Research and Study. **(In Persian)**
29. Protocol on Prohibitions or Restrictions on the Use of Incendiary Weapons (Protocol III to the Convention on Certain Conventional Weapons). Geneva. 10 October 1980.
30. Protocol on Prohibitions or Restrictions on the Use of Mines, Booby-Traps and Other Devices as amended on 3 May 1996 (Protocol II to the 1980 Convention on Certain Conventional Weapons as amended on 3 May 1996).
31. Reinhold, H. (2002). Target Lists: A 1923 Idea with Applications for the Future. *Tulsa Journal of Comparative and International Law*. 10(1).
32. Rome Statute of the International Criminal Court (ICC). 17 July 1998.
33. Russell, F.H. (1975). *The Just War in the Middle Ages*. Cambridge University Press.
34. Shaw, M.N. (2003). *International law*. Cambridge university press.
35. Saed, N. (2008). *International Humanitarian Law: The Recent Developments (Post-Modern Wars)*. Tehran. Khorsandy pub. **(In Persian)**
36. Swiney, G. (2005). Saving Lives: The Principle of Distinction and the Realities of Modern War. *The International Lawyer*. 39(3).
37. United Nations General Assembly. A/RES/47/37. 73rd plenary meeting. 25 November 1992. Protection of the Environment in Times of Armed Conflict.
38. Verri, P. (1992). *Dictionary of the International Law of Armed Conflict*. Geneva.

International Committee of the Red Cross .

39. Voneky, S. (2000). A New Shield for the Environment: Peace Time Treaties as Legal Restraints of Wartime Damage. *Review of European Community and International Law*. 9.
40. Walzer, M. (2006). *Just and Unjust Wars*. New York. Basic Books.
41. Ziaee Bigdeli, M.R. (1995). *Law of War*. Tehran. Allameh Tabataba'i University Publication. **(In Persian)**

